«آرمان ملی» مواجهه وزارت کشور با تجمعات را بررسی می‌کند

استاندارد دوگانه

آرمان ملی- حمید شجاعی: تجمعات شبانه و خیابانی که از ابتدا با نیت حمایت از کشور، میدان و دیپلماسی شکل گرفت امروز با چالش‌هایی روبه‌رو است و از رویکردهای اولیه خود فاصله گرفته است. به بیان دیگر قرار بود این تجمعات محلی برای تقویت انسجام ملی و حمایت از مسئولان و تصمیمات ملی باشد؛ اما هر چقدر از روزهای ابتدایی شکل‌گیری این تجمعات فاصله گرفتیم شرایط به نحو دیگری پیش رفت و رفته‌رفته سویه‌های دیگری به این تجمعات داده شد، تا جایی که وجه ملی آن سمت و سوی جریانی و جناحی گرفت و به عقیده بسیاری تجمعات شبانه از سوی جریانی خاص مصادره و از اهداف شکل‌گیری آن دور شده است. نگاهی به مسائل مطروحه در این تجمعات و شعارهای داده شده که بارها مسئولان کشور را مورد عنایت قرار داده است نشان می‌دهد که برخی بدشان نمی‌آید تحت عنوان ملت مبعوث و حمایت از میدان مسیر این تجمعات را تغییر دهند و مطابق اهداف خود پیش ببرند. مروری بر شعارهایی که در این تجمعات داده می‌شود از تخریب و حمله به رئیس جمهور تا رئیس مجلس، وزیر امور خارجه و... نشان می‌دهد که انگار همین رویه تغییر مسیر تجمعات در پیش است. پرسشی که پیش می‌آید اینکه اساسا نظارتی بر این تجمعات از سوی دستگاه‌های مسئول به طور خاص وزارت کشور بر این تجمعات صورت می‌گیرد؟ آیا دستورالعمل خاصی برای تجمعات وجود دارد و حدود و ثغور و چارچوب‌بندی خاصی مترتب است یا اینکه هرکس پرچمی به دست گرفت به احتجاج خود می‌تواند در خیابان هر چه می‌خواهد بگوید و هر عملی انجام دهد؟ آنچه مشخص است گویا هیچ دستورالعمل یا سازوکاری بر این تجمعات وجود ندارد و همینطور به صورت خودجوش انجام می‌شود. همین اتفاق نیز باعث می‌شود که دشمن بخواهد از همین مسیر بدون نظارت و گسترده استفاده یا به عبارت بهتر سوءاستفاده کند و اهداف خود را پیش ببرد. چه اینکه اخیرا نیز میزان از بازداشت لیدر یکی از تجمعات خیابانی که تلاش داشته تجمعات را به انحراف بکشد خبر داده است. با اطلاعات بیشتر و ویدئویی که از این شخص منتشر شده معلوم گردیده که این خانم لیدر که شعارهای بسیاری تندی هم می‌داده قبلا هم در اتفاقاتی مشابه دستگیر شده و برای جاسوسی و به انحراف کشیدن این تجمعات پای به تجمعات شبانه گذاشته است. در ویدئویی که از او منتشر شده می‌گوید باید از همین مسیر و منحرف کردن لاین تجمعات به نظام و انقلاب ضربه بزنیم. حال پرسش از برگزارکنندگان تجمعات این است که بارها مسئولان از پروژه نفوذ صحبت کرده‌اند و با این اتفاقی که رخ داده دیگر باید چه شود که بدانند انحراف مسیر تجمعات حرکت در مسیر دشمن است؟ لذا باید ضمن رعایت حال مردم و مواجهه درست و منطقی نه از موضع برتر و بالاتر موضوع نفوذ و انحراف تجمعات را با دید بازتری دنبال کنند.

استاندارد دوگانه

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است، اما همین اصل مغفول مانده و به رغم استناد به آن، جریانات سیاسی و احزاب نمی‌توانند در هر حوزه و موضوعی تجمع و راهپیمایی برگزار کنند. این در حالی است که برخی جریانات نه تنها وقعی به این مسائل نمی‌نهند، بلکه هر زمان و در هر مکان، با هر موضوعی که بخواهند تجمع می‌کنند و صدا از سوی هیچ یک از مسئولان و متولیان امر نیز در نمی‌آید. لذا در باب فیلترینگ، حجاب و حتی مذاکرات نیز تجمع می‌کنند و بدون هیچ مزاحمتی شعارهای خود را می‌دهند و مسئولان را باد انتقاد و تخریب می‌گیرند. چنانکه روز گذشته و در پی انتشار اخبار مربوط به مذاکرات ایران با میانجی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای توقف درگیری‌ها، جمعی از زنان کفن‌پوش در حوالی خیابان جمهوری و تقاطع خیابان کشوردوست تهران تجمع کردند. در تصاویر و گزارش‌های رسیده از این تجمع، شماری از زنان با پوشیدن کفن‌هایی که روی برخی از آنها عبارت «کفن‌پوشان لرستان» دیده می‌شود، با سردادن شعار و در دست داشتن پلاکاردهایی، مخالفت خود را با هرگونه مذاکره و توافق با آمریکا اعلام کردند. این تجمع در شرایطی برگزار شده که هم‌زمان تحرکات دیپلماتیک برای پایان‌دادن به درگیری‌ها افزایش یافته و کشورهایی همچون عمان، چین و روسیه هم در سطوح مختلف وارد رایزنی‌های مرتبط با این بحران شده‌اند. با این حال، برگزاری چنین تجمعی پرسش‌هایی جدی درباره سازمان‌دهندگان، مجوزهای احتمالی و منابع پشتیبانی این گروه‌ها ایجاد کرده است. این در حالی است که اخیرا حزب اراده ملت (حاما) برای برگزاری تجمعی حمایت از دولت و تیم دیپلماسی به وزارت کشور درخواست داده بود که این درخواست بی‌جواب مانده است. احمد حکیمی‌پور، دبیرکل حاما در تشریح روند پیگیری گفته است: «درخواست حزب برای برگزاری تجمع قانونی در حمایت از دیپلماسی، مراحلی را طی کرد، اما در ادامه فرمی از سوی نیروی انتظامی ارائه شد که بر اساس آن، اطلاعات هویتی و شماره تماس تمامی شرکت‌کنندگان، جزئیات برنامه و تضمین امنیت تجمع درخواست شده بود». حال پرسش از وزارت کشور و دست‌اندرکاران آن این است که اولا تجمع اخیر علیه مذاکره کنندگان با مجوز وزارت کشور بوده یا اینکه باز هم خودجوش و بدون در نظر گرفتن وزارت کشور انجام شده است؟ پرسش بعدی اینکه چرا زمانی که مخالفان دولت و مذاکره در قالب کفن‌پوشان خودسرانه دست به تجمع می‌زنند، دستگاه‌های مسئول موضوع‌گیری نمی‌کنند اما وقتی برخی احزاب سیاسی می‌خواهند در اقدامی کاملا قانونی و در حمایت از سیاست مذاکراتی حاکمیت دست به تجمع بزنند نه تنها مجوزی صادر نمی‌شود، بلکه هزار اما اگر نیز مطرح می‌شود؟ مسئولان امر به ویژه وزارت کشور باید توضیح دهند که این استاندارد دوگانه در برخورد از کجا می‌آید چرا یک جریان می‌تواند بدون کسب هیچ مجوزی به تجمع دست بزند اما جریان دیگر حتی در پی کسب مجوز نیز ناکام می‌ماند!

اراده حاکمیت

نکته قابل اهمیتی که باید یک بار برای همیشه برای این دست جریانات مطرح شود بحث جایگاه تصمیم‌گیری در ساختار جمهوری اسلامی است. در چنین ساختاری نهادهای بالادستی چون شورای عالی امنیت ملی و رهبری هستند که در مورد مذاکره، توافق، جنگ یا صلح تصمیم‌گیری کرده و اظهار نظر می‌کنند. لذا هر آنچه از مسیر بگذرد قانونی و لازم‌الاجرا است. اینکه عده‌ای بخواهند به هر بهانه‌ای موضع مذاکره کنندگان را تضعیف کنند و حاکمیت را تحت فشار قرار دهند و علا تعیین تکلیف کنند تا هر گونه مذاکره‌ای را نپذیرد اساسا در صلاحیت تجمع کنندگان نیست و آنها حقی بر اظهار نظر یا تصمیم‌گیری ندارند. تصمیمات در نهادهای بالادستی اتخاذ می‌شود و به جامعه اعلام می‌شود. لذا وقتی اراده حاکمیت بر مذاکره قرار می‌گیرد همه تمام قد از مذاکره‌کنندگان حمایت می‌کنند و هر زمان نیز اراده بر جنگ و حضور پر قدرت میدان بود همه موظفند از میدان پشتیبانی کنند. اینکه عده‌ای به دنبال فشار آوردن از طریق تجمعات گوناگون باشند صرفا شرایط کشور را ملتهب و بازی در زمین دشمنان است که می‌خواهند آرامش را از جامعه ببرند.

وزارت کشور و آزمون اعتماد سیاسی

وفاق بدون مشارکت معنا ندارد

ادامه از صفحه ۱

۳. کمیسیون ماده ۱۰ احزاب؛ صیانت از قانون یا مداخله در اراده تشکیلاتی احزاب؟

یکی از جدی‌ترین موضوعات مورد اعتراض، نحوه عملکرد کمیسیون ماده ۱۰ احزاب است. تأخیر در معرفی نمایندگان قانونی احزاب، تعیین تکلیف نکردن به‌موقع مصوبات و نتایج کنگره‌ها، با وجود هماهنگی قبلی و حضور نماینده وزارت کشور در فرایند برگزاری آنها، و همچنین بررسی و رد صلاحیت برخی منتخبان پس از برگزاری کنگره‌ها، پرسش‌های حقوقی و تشکیلاتی مهمی ایجاد کرده است. اصل بنیادین آن است که احزاب، نهادهایی مستقل و دارای ارکان انتخابی هستند و اراده اعضای آنها باید در چارچوب قانون محترم شمرده شود. کمیسیون ماده ۱۰ نیز موظف است در حدود صلاحیت‌های قانونی خود عمل کند و نمی‌تواند با تفسیر موسع از اختیارات نظارتی و برخلاف قانون و مقررات موضوعه، جایگزین اراده اعضا و مجامع عمومی احزاب شود. محدودسازی و قلع‌وقمع فعالان سیاسی در این گستره و با این شیوه، آن هم از سوی معاونت سیاسی دولت، پرسش برانگیز است. چرا باید دولتی که با شعار وفاق ملی و گسترش مشارکت روی کار آمده، در حوزه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی به رویه‌هایی متوسل شود که نتیجه آن محدودتر شدن دایره مشارکت است؟ مبنای قانونی چنین رویکردی چیست؟ آیا اعمال محدودیت در حقوق سیاسی و تشکیلاتی اشخاص، جز در موارد و شرایط مقرر در قانون و با رعایت صلاحیت مراجع ذی‌صلاح، امکان‌پذیر است؟ موضوع نگران‌کننده‌تر و بی‌سابقه‌ای که در دولت شما رقم خورده است، حذف و رد صلاحیت فله‌ای فعالان سیاسی و منتخبان احزاب اصلاح‌طلب است؛ رویه‌ای که نه‌تنها با انتظار از دولت برای گسترش مشارکت سیاسی و تقویت احزاب سازگار نیست، بلکه می‌تواند به تعمیق شکاف میان نخبگان، جامعه و حاکمیت بینجامد. در شرایطی که کشور بیش از هر زمان به ترمیم این شکاف‌ها، بازسازی اعتماد عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی دولت و دستیابی به انسجام ملی نیاز دارد، محدود کردن دایره مشارکت و نادیده گرفتن اراده تشکیلاتی احزاب، چگونه می‌تواند در خدمت تحقق وفاق ملی باشد؟ پرسش روشن این است: چگونه می‌توان از انسجام ملی سخن گفت، اما با حذف نیروهای سیاسی و منتخبان قانونی احزاب، فرصت مشارکت را محدودتر کرد؟ آیا راه ترمیم شکاف‌های موجود، حذف و کنار گذاشتن نیروهای سیاسی است یا به رسمیت شناختن حقوق قانونی آنان و فراهم کردن امکان مشارکت مؤثر؟ همچنین نقش نمایندگان دستگاه‌های امنیتی در کمیسیون باید دقیقاً در حدود صلاحیت‌های قانونی تعریف شود. پاسخ به استعلام‌های قانونی، جایگزین مسئولیت مستقل اعضای کمیسیون و مبنای تصمیم‌گیری قانونی آن نیست. انتظار می‌رود وزارت کشور درباره این رویه‌ها، مستندات قانونی تصمیمات و حدود اختیارات کمیسیون موضعی شفاف اتخاذ کند و از استقلال و حقوق قانونی احزاب صیانت به عمل آورد.

۴. مداخله نهادهای امنیتی و تضعیف مدیریت سیاسی کشور

یکی دیگر از نگرانی‌های جدی، گسترش نقش و تأثیرگذاری نهادهای امنیتی در فرایندهای مربوط به فعالیت سیاسی، تشکیلات حزبی و تعیین تکلیف فعالان سیاسی است. بی‌تردید دستگاه‌های امنیتی در چارچوب قانون وظایف و مسئولیت‌های مشخصی دارند؛ اما این وظایف نباید به دخالت خارج از حدود صلاحیت قانونی در مدیریت سیاسی کشور، محدود کردن فعالیت قانونی احزاب یا جایگزین شدن نظر مراجع امنیتی به جای تصمیم‌گیری مسئولان سیاسی منجر شود. هرگونه محدودیت در حقوق شهروندان و فعالان سیاسی نیز باید مستند به قانون، مبتنی بر دلایل قابل دفاع و تابع تشریفات و صلاحیت‌های قانونی باشد. پرسش اساسی این است: اگر تصمیمات حوزه مدیریت سیاسی کشور عملاً تحت تأثیر اراده و نظر عوامل و مراجع خارج از ساختار وزارت کشور اتخاذ می‌شود، جایگاه، اختیار و فلسفه وجودی معاونت سیاسی وزارت کشور چیست؟ آیا وظیفه این معاونت صرفاً انتقال و اجرای تصمیماتی است که در خارج از ساختار مدیریت سیاسی اتخاذ می‌شود یا مسئولیت دارد از حقوق قانونی شهروندان، استقلال احزاب، توسعه مشارکت و اجرای سیاست‌های اعلامی دولت دفاع کند؟ این وضعیت ضرورت بازنگری جدی در جایگاه، کارکرد، اختیارات و ترکیب مدیریتی معاونت سیاسی و مجموعه ستادی آن را مطرح می‌کند. وزارت کشور باید متولی مدیریت سیاسی و توسعه مشارکت باشد و در برابر هرگونه مداخله خارج از حدود قانونی، از مسئولیت و اختیارات خود دفاع کند.

۵. انتخابات شوراها و احترام به نهادهای انتخابی

در موضوع انتخابات شوراهای اسلامی نیز برخی تصمیمات و رویه‌های مرتبط، از جمله نحوه معرفی و تعیین تکلیف افراد در هیات‌های اجرایی و نظارت، نیازمند توضیح درباره مبانی قانونی و مسئولیت تصمیم‌گیرندگان است. همچنین موضوع پایان یافتن دوره قانونی شورای شهر ششم و مبانی حقوقی استمرار غیر قانونی فعالیت آن، با توجه به ایرادات مطرح‌شده درباره قانونی بودن این استمرار، ضرورت اتخاذ موضعی روشن و مستند از سوی وزارت کشور را دوچندان می‌کند. نهادهای انتخابی محصول اراده شهروندان و از ارکان مشارکت عمومی هستند. وزارت کشور باید در حفظ اعتبار و رعایت حقوق قانونی این نهادها پیشگام باشد و از هرگونه تصمیم یا سکوتی که موجب تضعیف اعتماد عمومی به سازوکارهای انتخاباتی می‌شود، پرهیز کند. در همین ارتباط، عدم رعایت مصوبه شورای عالی امنیت ملی و تأکیدات رهبری شهید درباره ضرورت رعایت حقوق شهروندان در فرایند بررسی صلاحیت‌ها، به‌ویژه در مواردی که افراد فاقد محکومیت مؤثر و محرومیت اجتماعی هستند، موضوعی است که انتظار می‌رفت وزارت کشور با صراحت و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن موضع‌گیری کند. چرا در برابر تصمیمات و رد صلاحیت‌هایی که به اعتقاد معترضان با این مصوبه و تأکیدات مغایرت داشته، دفاع روشنی از حقوق شهروندان صورت نگرفت؟ وزارت کشور، به‌عنوان متولی اجرای انتخابات، چه مسئولیتی در قبال صیانت از حقوق قانونی داوطلبان و جلوگیری از تضییع حقوق آنان بر عهده داشته است؟

۶. حقوق شهروندی و اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی

یکی دیگر از انتظارات جدی از دولت، فراهم کردن زمینه اجرای اصول مغفول‌مانده قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۲۷ و حق برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز و رفع تبعیض است. با وجود تأکیدات مکرر بر ضرورت شنیدن صدای مردم، همچنان سازوکار روشن، عملی و قابل اتکایی برای بهره‌مندی شهروندان از این حق قانونی فراهم نشده است. اعتراض و مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز، فی‌نفسه تهدید امنیت ملی نیست؛ بلکه در صورت فراهم بودن بستر قانونی، می‌تواند راهی برای شنیدن مطالبات جامعه، پیشگیری از انباشت نارضایتی‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی باشد. انتظار می‌رود وزارت کشور به جای محدود کردن موضوع به ملاحظات انتظامی و امنیتی، برنامه‌ای مشخص برای اجرای عملی اصل ۲۷ قانون اساسی و تضمین حق اعتراض قانونی شهروندان بدون تبعیض ارائه کند. در این میان، برخورد دوگانه با تجمعات و فعالیت‌های سیاسی نیز قابل پذیرش نیست. چگونه می‌توان از یک سو برای اجتماعات و اعتراضات مسالمت‌آمیز شهروندان و جریان‌های قانونی محدودیت قائل شد و از سوی دیگر، در برابر فعالیت نیروهای موسوم به «خودسر» و «آتش‌به‌اختیار» سکوت کرد یا نسبت به مواردی از هماهنگی و همراهی نهادهای دولتی با چنین فعالیت‌هایی بی‌تفاوت ماند؟ معیار باید قانون باشد؛ نه گرایش سیاسی برگزارکنندگان و نه موافقت یا مخالفت آنان با سیاست‌های دولت. حق اعتراض و اجتماع مسالمت‌آمیز باید برای همه شهروندان و جریان‌های قانونی، بدون تبعیض و برخورد دوگانه، محترم شمرده شود.

۷. فاصله میان حمایت سیاسی و مشارکت واقعی حامیان دولت

بخش دیگری از نگرانی‌ها به نحوه مواجهه معاونت سیاسی با نیروهای اصلاح‌طلب و حامیان دولت بازمی‌گردد. کنار گذاشته شدن یا استفاده نکردن از ظرفیت نیروهای سیاسی در فرصت‌های مدیریتی، در کنار سایر موارد، این پرسش را مطرح می‌کند که معیار واقعی مشارکت سیاسی در دولت چیست؟ حذف نیروهای باسابقه و ارزشمند، از بدنه اجرایی تا محدود نمودن فرصت‌های فعالیت سیاسی و حضور در نهادهای مدنی، روندی نگران‌کننده است. آیا قرار است دایره حذف و محدودسازی، از مدیریت اجرایی فراتر رود و عرصه فعالیت سیاسی و مدنی را نیز دربرگیرد؟ نمی‌توان از حمایت و همراهی آقای سیدمحمد خاتمی و جریان اصلاحات و احزاب سخن گفت، اما نسبت به مطالبات و انتظارات این جریان در حوزه مدیریت سیاسی کشور بی‌تفاوت بود. حمایت سیاسی، تعهدی یک‌طرفه و بدون حق مطالبه‌گری نیست. جریان‌هایی که برای تغییر وضعیت موجود از دولت حمایت کرده‌اند، حق دارند درباره عملکرد دولت، میزان تحقق وعده‌ها و نحوه استفاده از ظرفیت نیروهای خود پرسش کنند. البته معیار اصلی در انتصابات باید شایسته‌سالاری، تخصص، تجربه و پایبندی به برنامه‌های دولت باشد؛ اما این معیارها نباید به پوششی برای تداوم انحصار مدیریتی و نادیده گرفتن ظرفیت نیروهای سیاسی و اجتماعی تبدیل شوند.

۸. اختیار و مسئولیت؛ ضرورت پاسخ‌گویی در برابر عملکرد

همه موارد فوق در نهایت به یک پرسش اساسی بازمی‌گردد: معاونت سیاسی وزارت کشور چه میزان اختیار و مسئولیت واقعی در سیاست‌گذاری و اداره امور سیاسی کشور دارد؟ اگر این معاونت اختیار لازم برای دفاع از استقلال احزاب، اجرای قانون، اصلاح رویه‌های محدودکننده و تحقق وعده‌های سیاسی دولت را ندارد، باید این محدودیت‌ها را صریح و شفاف اعلام کند. اما اگر از اختیارات قانونی برخوردار است، باید درباره عملکرد، تصمیمات و نتایج اقدامات خود پاسخ‌گو باشد. نمی‌توان در جایگاه مسئولیت قرار گرفت، از اختیارات قانونی برخوردار بود، اما در برابر پیامدهای تصمیمات و رویه‌های جاری، مسئولیت را متوجه دیگران دانست؛ یا صرفاً برای حفظ موقعیت و صندلی مدیریتی، تصمیمات و خواسته‌های نهادهای خارج از دولت را بدون دفاع از مسئولیت‌ها و اختیارات قانونی وزارت کشور اجرا کرد.

سخن پایانی؛ آقای رئیس جمهور، زمان بازنگری فرا رسیده است

جناب آقای دکتر پزشکیان؛

مسئله امروز صرفاً رضایت یا نارضایتی یک جریان سیاسی از عملکرد یک معاون وزیر نیست؛ مسئله، اعتماد عمومی و اعتبار وعده‌هایی است که جنابعالی با تکیه بر آنها از مردم رأی گرفتید و دولت را تشکیل دادید. اصلاح‌طلبان و حامیان دولت انتظار نداشتند صرفاً در جلسات مشورتی حضور داشته باشند یا پس از انتخابات، حمایت‌های سیاسی آنان به‌عنوان پشتوانه دولت تلقی شود، بی‌آنکه در تصمیم‌سازی و مدیریت کشور مشارکت مؤثر داشته باشند. انتظار اصلی، تغییر در شیوه حکمرانی، مشارکت واقعی، رعایت حقوق قانونی احزاب، شایسته‌سالاری و پایان دادن به رویه‌های غیرقانونی بود که در گذشته موجب محدود شدن فعالیت سیاسی و تضعیف اعتماد عمومی شده است. امروز لازم است روشن شود که آیا دولت همچنان به این وعده‌ها پایبند است و برای تحقق آنها اراده و برنامه عملی دارد یا قرار است به نام وفاق، همان مناسبات و رویه‌های گذشته ادامه یابد؟

از جنابعالی انتظار می‌رود دستور فرمایید:

۱. عملکرد معاونت سیاسی وزارت کشور، به‌ویژه در حوزه توسعه سیاسی، تقویت احزاب، انتصابات، مشارکت جریان‌های سیاسی و اجرای قانون، به‌صورت جامع و مستقل ارزیابی شود. ۲. گزارش شفافی از حدود اختیارات، تصمیمات، اقدامات و مسئولیت‌های معاونت سیاسی وزارت کشور ارائه و مشخص شود این معاونت تا چه میزان در تحقق سیاست‌های سیاسی دولت اختیار و نقش مؤثر دارد. ۳. مبانی قانونی عملکرد کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، نحوه رسیدگی به مصوبات کنگره‌ها و حدود نقش دستگاه‌های امنیتی در فرایندهای سیاسی و تشکیلاتی به‌طور روشن تبیین شود. ۴. درباره حذف و رد صلاحیت فعالان سیاسی و منتخبان احزاب، مستندات قانونی، معیارها و مبانی تصمیمات بررسی و از تداوم رویه‌های مغایر با حقوق قانونی و تشکیلاتی احزاب جلوگیری شود. ۵. درباره نحوه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی، سازوکار عملی و مشخصی برای تضمین حق برگزاری اجتماعات و اعتراضات مسالمت‌آمیز شهروندان تدوین و اعلام شود. ۶. در سیاست‌های انتصابی و مدیریت سیاسی وزارت کشور بازنگری صورت گیرد تا شایسته‌سالاری، مشارکت واقعی و استفاده از ظرفیت همه نیروهای توانمند و معتقد به برنامه‌های دولت، جایگزین مناسبات محدود و غیرشفاف شود. همچنین ضروری است مشخص شود آقای زینی‌وند تا چه اندازه خود را متعهد به تحقق وعده‌های سیاسی دولت می‌داند و عملکرد ایشان با انتظارات جنابعالی و مطالبات حامیان دولت چه نسبتی دارد. چنانچه ارزیابی عملکرد، ضرورت تغییر در رویکرد، ساختار یا مدیریت این معاونت را نشان دهد، انتظار می‌رود تصمیم مقتضی و متناسب اتخاذ شود. وفاق ملی با نادیده گرفتن اختلاف‌ها و حذف مطالبات شکل نمی‌گیرد؛ وفاق زمانی معنا پیدا می‌کند که تکثر سیاسی به رسمیت شناخته شود، قانون برای همه یکسان اجرا شود، احزاب از استقلال برخوردار باشند و امکان مشارکت واقعی برای جریان‌های قانونی فراهم آید. در شرایطی که ترمیم شکاف میان نخبگان، جامعه و حاکمیت و بازسازی سرمایه اجتماعی از ضرورت‌های اساسی کشور است، حذف نیروهای سیاسی و محدود کردن مشارکت آنان نمی‌تواند راهکار دستیابی به انسجام ملی باشد. در نهایت، اصل روشن حکمرانی این است: اختیار و مسئولیت دو روی یک سکه‌اند؛ نه اختیار بدون پاسخ‌گویی پذیرفتنی است و نه مسئولیت بدون اختیار.

والسلام

نکته

بیانیه سپاه پاسداران به مناسبت یوم‌الله ۱۳ آبان

سپاه پاسداران به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار در بیانیه‌ای اعلام کرد: دشمنی رژیم آمریکا با ملت ایران، نه اختلافی مقطعی و نه سوءتفاهمی سیاسی، بلکه ریشه در تضاد منافع ساختاری دارد؛ راهبردی مستمر که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی و در ۴۷ سال اخیر تداوم دارد. به گزارش ایسنا، بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت یوم‌الله ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی به شرح زیر است: بسم‌الله الرحمن الرحیم سیزدهم آبان، نماد ماندگار مقاومت ملت ایران در برابر استکبار جهانی است؛ روزی که در آن تبعید امام خمینی (ره) در ۱۳۴۳، کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۳۵۷ و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳۵۸ در تاریخ این سرزمین به ثبت رسید و ثابت کرد که ملت مؤمن و انقلابی ایران هیچ‌گاه تسلیم سلطه و فریب جبهه استکبار نخواهد شد؛ روزی که در تقویم تاریخی کشور به درستی "روز ملی مبارزه با استکبار جهانی" نام گرفت.

دشمنی رژیم آمریکا با ملت ایران، نه اختلافی مقطعی و نه سوءتفاهمی سیاسی، بلکه ریشه در تضاد منافع ساختاری دارد؛ راهبردی مستمر که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی و در ۴۷ سال اخیر تداوم دارد.

اسناد لانه جاسوسی نشان داد که در نگاه آمریکا، دیپلماسی پوششی برای نفوذ، فریب و سلطه بر ایران و سلب استقلال از کشور بوده است. اقدامات امروز واشنگتن نیز گواهی بر استمرار همین الگوی خصمانه و افزوده شدن هدف براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی و تجزیه سرزمینی ایران است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقدام تاریخی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تصرف لانه جاسوسی در ۱۳ آبانماه ۱۳۵۸ را گرامی می‌دارد؛ اقدامی که به تعبیر امام راحل «انقلاب دوم» نام گرفت و سقوط آمریکا در قلب تهران را به نمایش گذاشت.

در شرایطی که دشمن آمریکایی - صهیونی پس از تحمل ضربات دردناک و سخت در جنگ های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و نبردهای پس از آن به‌دلیل انسجام ملت مبعوث شده و آمادگی نیروهای مسلح مقتدر ایران، امکان تعدی و تعرض مجدد را از دست داده است، و در عین حال ادبیات تهدید و جنگ روانی و رسانه‌ای برای جنگ وجودی و توهم‌نابود کردن عنقریب ایران را در اوج استیصال و عصبانیت بر زبان جاری ساخته است؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قاطعانه و با صراحت اعلام می‌دارد:

تمامی تدابیر و فرامین اخیر فرماندهی معظم کل قوا در دیدار فرماندهان عالی نیروهای مسلح را در راستای "بازدارندگی حداکثری" با تمام توان دستور کار قرار داده است و در هم افزایی و هماهنگی با سایر نیروهای مسلح و مدافع کشور در اجرای آن لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد.

" آمادگی رزمی هوشمندانه، به‌روزرسانی بانک اهداف و قرار دادن دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در تیررس، و پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی به هر سطح و نوع تهدید، که با حمایت ملی از نیروهای مسلح، رکنی راهبردی در برابر ایران ستیزی بیگانگان و مزدوران داخلی را خلق کرده، سرلوحه مأموریت های امروز ما است."

تاکید می کنیم، رزمندگان اسلام و مدافعان وطن با ایمان و آمادگی های همه جانبه رزمی، اراده‌ای پولادین برای خلق شگفتی های تاریخ‌ساز و تعیین تکلیف قطعی دشمن دارند؛ و در این راستا همان‌گونه که فرماندهی معظم کل قوا فرمودند:

«زمان و شرایط پایان حملات دشمن را نیروهای مسلح و ملت ایران تعیین می‌کنند.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن گرامیداشت یوم‌الله ۱۳ آبان، عهد و پیمان ناگسستنی خود با امامین کبیر و شهید انقلاب و تبعیت از مقام عظمای ولایت و رهبری حضرت امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و شهدای والامقام اقتدار ایران اسلامی را تجدید کرده و به اردوگاه دشمن آمریکایی-صهیونیستی و همراهان پلید منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن هشدار می دهد؛ در میدان نبرد در هر نقطه از جغرافیای جهان، تا آخرین قطره خون خود پای کار آرمان‌های دینی، انقلابی و میهنی بوده و با پاسداری و صیانت سلحشورانه از منافع ملی، در مسیر مبارزه با استکبار جهانی و مقابله با متجاوزین، دست بر ماشه، راست قامت ایستاده است.

بعون الله و فضله

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱۳ آبان ماه ۱۴۰۵

خبر

حسین نورانی نژاد:

خروج از NPT برای کشور هزینه‌ساز است

یک عضو حطب اتحاد ملت با بیان اینکه شنیده شدن دیدگاه‌های طرفدار صلح و دیپلماسی در کنار مواضع جنگ‌طلبانه می‌تواند به جامعه اطمینان خاطر بدهد، اظهار کرد: در شرایطی که معمولاً از بسیاری از تریبون‌های رسمی مانند صداوسیما صدای گروه دوم، یعنی صدای جنگ‌طلبی شنیده می‌شود، شنیدن صدای سوم تا حدودی دلگرم‌کننده است. حسین نورانی‌نژاد گفت: وقتی دائماً صدای تهور شنیده می‌شود، طبیعتاً در ذهن افرادی که اهل محاسبه هستند و تا حدودی از شرایط اطلاع دارند، این نگرانی ایجاد می‌شود که تندروها و جنگ‌طلبان تا کجا می‌خواهند پیش بروند و آیا اساساً محاسبه‌ای در کار هست یا خیر. از این جهت، سخنان رئیس جمهور دلگرم‌کننده است که نشان می‌دهد بدون وادادگی، عنصر محاسبه هم در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد و کشور اسیر تندروها و جنگ‌طلبان نشده است. وی با اشاره به طرح موضوع خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) از سوی برخی نمایندگان مجلس و همچنین درخواست تغییر دکترین هسته‌ای از تریبون‌های نماز جمعه، درباره تأثیر این اظهارات بر بازدارندگی کشور، گفت: افرادی که از تریبون‌های رسمی موضوع تغییر دکترین هسته‌ای را مطرح می‌کنند که تولید بمب هسته‌ای از آن معنا می‌شود، باید به چند پرسش پاسخ دهند. نخست اینکه آیا حاضرید در همه سیاست‌ها بر اساس نظرسنجی‌ها عمل کنید؟ اگر معتقدید مردم خواهان تغییر دکترین هسته‌ای هستند و این موضوع را به نظرسنجی‌ها ربط می‌دهید آیا در همه سیاست‌ها اجازه می‌دهید نظرسنجی صورت بگیرد و به آنها استناد کنید؟ وی بیان کرد: بخشی از این وضعیت ناشی از همین ادبیات تندروانه و هزینه‌ساز و بی‌دستاورد است؛ گویی برخی که اقدام مؤثری از آنها برنمی‌آید تنها کاری که بلدند حرف‌های تند زدن است.